

## The Theoretical Formulation of the Model for Engaging with the International System in the Thought of ‘Allāmah Miṣbāh Yazdī, with an Emphasis on the Logic of Resistance

Mohammad Esmail Ammar  / Ph.D. in Political Science, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran [esmaeilammar@gmail.com](mailto:esmaeilammar@gmail.com)

Received: 2025/08/09 - Accepted: 2025/12/28



### Abstract

The contemporary international system is the product of multi-century processes of colonial expansion, great power rivalry, and the formation of liberal-democratic political philosophy. It is shaped by the logic of power, balancing, and hegemonic consolidation, providing both soft and hard tools for domination and preserving the superiority of colonial powers. How to engage with this order has become a fundamental question in contemporary Islamic discourse. Using a descriptive-analytical method, the present study answers the question: How is the model of engagement with this system explained in the thought of ‘Allāmah Miṣbāh Yazdī, and what is the place of interaction and confrontation within this model? The results indicate that active and ideal-oriented confrontation constitutes the main strategy for engaging with this order in his thought, theorized in the form of the theory of resistance. However, with the aim of establishing a just world order, while prioritizing confrontation, he also considers the possibility of purposeful and identity-based interaction under specific conditions. Accordingly, the theory of resistance is not merely a confrontational strategy but a comprehensive framework for calibrating the relationship between interaction and confrontation with the hegemonic system and for paving the way for the establishment of a just order toward the creation of a new Islamic civilization.

**Keywords:** International system, Resistance discourse, Active confrontation, Identity-based interaction, New Islamic civilization, Miṣbāh Yazdī

## صورت‌بندی نظری الگوی مواجهه با نظام بین‌الملل در اندیشه علامه مصباح یزدی با تأکید بر منطق مقاومت\*

esmaeilammar@gmail.com

محمداسماعیل عمار  / دکتری علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

### چکیده

نظام بین‌الملل معاصر محصول فرایندهای چندقرنی گسترش استعمار، رقابت قدرت‌های بزرگ و شکل‌گیری فلسفه سیاسی لیبرال‌دموکراسی است که بر اساس منطق قدرت، موازنه‌سازی و تثبیت هژمونی شکل گرفته و ابزارهای نرم و سخت برای سلطه‌گری و حفظ برتری قدرت‌های استعماری را فراهم می‌کند. چگونگی مواجهه با این نظم، پرسشی اساسی در گفتمان اسلامی معاصر ایجاد کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که: الگوی مواجهه با این نظام در اندیشه علامه مصباح یزدی چگونه تبیین می‌شود و نسبت تعامل و تقابل در این الگو چه جایگاهی دارد؟ نتایج حاصل از پژوهش بیانگر تقابل فعال و آرمان‌محور به‌عنوان راهبرد اصلی مواجهه با این نظم در اندیشه ایشان است که در قالب نظریه مقاومت صوت‌بندی می‌شود. با این حال ایشان به‌منظور ایجاد نظم جهانی عادلانه، ضمن محوریت تقابل، امکان تعامل هدفمند و هویت‌مند را در شرایط خاص مدنظر قرار می‌دهد. بر این اساس، نظریه مقاومت، نه صرفاً راهبرد تقابلی، بلکه چهارچوبی جامع برای تنظیم نسبت تعامل و تقابل با نظام سلطه و بسترسازی برای ایجاد نظم عادلانه در راستای ایجاد تمدن اسلامی نوین است.

**کلیدواژه‌ها:** نظام بین‌الملل، گفتمان مقاومت، تقابل فعال، تعامل هویت‌مند، تمدن نوین اسلامی، مصباح یزدی.

## مقدمه

نظام بین‌الملل معاصر بر مبنای آموزه‌ها و خواست قدرت‌های استکباری غرب شکل گرفته است. کشورهای استعماری با ورود به عرصه رقابت و سلطه‌گری بر دیگر مناطق جهان، ساختار و قواعد آن را بنا نهادند. این نظام که بیشتر بر بنیان‌های لیبرال‌دموکراسی غربی و ساختارهای قدرت‌محور استوار است، برای بسیاری از اندیشمندان اسلامی به‌عنوان نظام سلطه و ناعادلانه تعریف می‌شود. چگونگی مواجهه با این نظام این پرسش بنیادین را فراروی اندیشمندان قرار داده است که چه نوع رابطه‌ای باید با آن برقرار کرد: تعامل؛ تقابل؛ یا راه‌حلی میان‌بر اساس اصول دینی و هویتی خود؟

با توجه به تحولات نظری در حوزه روابط بین‌الملل و همچنین تجربیات عملی جمهوری اسلامی در تعاملات بین‌المللی، این پرسش بنیادین به‌صورت جدی‌تری مطرح می‌شود که گفتمان مقاومت در اندیشه علامه مصباح یزدی از چه ظرفیتی برای ارائه الگویی پایدار و مؤثر در مواجهه با نظام سلطه برخوردار است؟ آیا این گفتمان صرفاً مبتنی بر تقابل است یا در آن، ظرفیت‌هایی برای تعامل هدمند، مشروط و هویت‌مند نیز وجود دارد؟ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش چنین است: الگوی تعامل یا تقابل با نظام بین‌الملل در اندیشه اسلامی چگونه تبیین می‌شود و گفتمان مقاومت در منظومه فکری علامه مصباح یزدی، از چه ویژگی‌ها، بنیان‌های معرفتی و پیامدهای نظری در مواجهه با نظام سلطه برخوردار است؟

تحقیقات انجام‌شده در مواجهه اسلام و نظام بین‌الملل را می‌توان در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد: دسته نخست شامل طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها می‌شود که در قالب کتاب و مقاله منتشر شده و با تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل، به مفاهیمی چون هویت دینی، استقلال طلبی و مقاومت، به‌عنوان عناصر شکل‌دهنده کنش خارجی جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی در کتاب *الگو و روند در سیاست خارجی ایران*، مقاومت را یکی از گفتمان‌های سیاست خارجی ایران می‌دانند که در دو بعد حفظ‌محور و رشد‌محور بر سیاست خارجی ایران تأثیر گذاشته و آن را هدایت کرده است. سیدذکریا محمودی‌رجا در مقاله «رویکرد مقاومت‌محور در حکمرانی جمهوری اسلامی: بررسی بسترها و دلایل سیاست هسته‌ای دولت‌های نهم و دهم» به حکمرانی مقاومت‌محور جمهوری اسلامی پرداخته و آن را دارای پیشینه عمیق در فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دانسته است. تمرکز این آثار، بیشتر بر سطح سیاست خارجی و رفتار دولت بوده و کمتر به بازسازی نظری مفهوم مقاومت در اندیشه متفکران اسلامی پرداخته شده است.

دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که به‌طور خاص به مفهوم مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی اسلام اختصاص یافته‌اند. افتخاری در کتاب *مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو*، در تبیین رویکرد اسلامی

به مقاومت با اشاره به دو بعد سلبی و ایجابی مقاومت، بیان می‌کند که نظریه مقاومت اسلامی مورد توجه اندیشمندان قرار نگرفته است و آن را یک امر لازم می‌داند. برخی از این آثار، مقاومت را به‌مثابه راهبردی سیاسی - امنیتی در برابر هژمونی نظم لیبرال بین‌المللی تحلیل کرده‌اند. مجید عباسی و سیدمهدی حبیبی در مقاله «موازنه تهدید: دلایل ساختاری شکل‌گیری و گسترش اسلام سیاسی و مقاومت اسلامی در خاورمیانه» با کاربست نظریه موازنه تهدید، به بررسی عوامل ساختاری شکل‌گیری پدیده مقاومت و گسترش اسلام سیاسی از طریق بررسی نحوه عملکرد نظام سلطه می‌پردازند و دلایل وجودی و گسترش جبهه مقاومت اسلامی را توضیح می‌دهند. این مطالعات، غالباً رویکردی کلی دارند و به تحلیل منسجم اندیشه یک متفکر خاص در این زمینه نپرداخته‌اند.

مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون اندیشه علامه مصباح یزدی بیشتر بر محورهای همچون فلسفه سیاسی اسلام، مبانی مشروعیت سیاسی، ولایت فقیه و نسبت دین و سیاست متمرکز بوده‌اند. در این پژوهش‌ها نظریه مقاومت به‌عنوان الگوی مواجهه با نظم بین‌الملل، به‌صورت مستقل و نظام‌مند مورد واکاوی و تبیین قرار نگرفته است. این در حالی است که در منظومه فکری ایشان مؤلفه‌هایی نظیر نفی سلطه، تأکید بر استقلال سیاسی و مقابله با استکبار در عرصه بین‌الملل جایگاه برجسته‌ای دارد. این مباحث الگوی نسبتاً جامع و منسجمی برای مواجهه با نظام سلطه ارائه می‌کنند که در قالب «نظریه مقاومت» صورت‌بندی می‌شود. از این‌رو پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که الگوی مواجهه با نظام بین‌الملل در اندیشه علامه مصباح یزدی چگونه قابل صورت‌بندی است و آیا نظریه مقاومت در اندیشه ایشان صرفاً بر تقابل با نظام سلطه مبتنی است یا امکان نوعی تعامل مشروط و هدفمند مبتنی بر حفظ هویت اسلامی را مجاز می‌داند؟

برای پاسخ‌گویی به پرسش تحقیق، نخست مبانی نظری و چهارچوب مفهومی پژوهش و نسبت آن با نظریه‌های روابط بین‌الملل تبیین می‌شود؛ سپس مبانی معرفتی و هنجاری نظریه مقاومت در اندیشه علامه مصباح مورد تبیین قرار می‌گیرد و در نهایت، الگوی مواجهه با نظام بین‌الملل در این نظریه، با تمرکز بر نسبت تعامل و تقابل مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۱. مبانی نظری و چهارچوب مفهومی

بحث مبانی نظری و چهارچوب مفهومی، پیش‌شرط ضروری برای فهم علمی و نظام‌مند موضوع مورد نظر است. برای فهم دقیق‌تر منطق درونی و بنیان‌های ارزشی گفتمان مقاومت در اندیشه علامه مصباح یزدی و نیز دستیابی به چهارچوب منسجم برای تحلیل جایگاه آن در نظام بین‌الملل، تبیین مبانی نظری و چهارچوب مفهومی ضروری می‌نماید.

## ۱-۱. نظام بین‌الملل معاصر و سازوکارهای سلطه

نظام بین‌الملل کنونی محصول فرایندهای تاریخی ناشی از استعمارگری دولت‌های غربی، جنگ‌های جهانی و رقابت قدرت‌های بزرگ در عرصه بین‌المللی است. این نظام بر مبنای اصول لیبرال‌دموکراسی، سرمایه‌داری جهانی و اصالت قدرت شکل گرفته است و عمدتاً منافع قدرت‌های سلطه‌گر را تأمین می‌کند. به تعبیر علامه مصباح، «نظام ارزشی حاکم در جهان امروز که بیشتر ملت‌ها آن را کم‌وبیش پذیرفته‌اند، اصولی است که در چهارچوب آزادی‌خواهی و لیبرالیسم طرح می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸ الف، ص ۴۵۲). مهم‌ترین ویژگی‌های این نظام عبارت‌اند از: ۱. قدرت‌محوری، که باعث تقدم قدرت بر عدالت و اخلاق می‌شود؛ ۲. ساختار نابرابر و وجود نهادهای بین‌المللی، که عملاً در خدمت قدرت‌های بزرگ قرار دارند. نهادهایی همچون سازمان ملل متحد، شورای امنیت، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ابزارهای رسمی تثبیت این نظم‌اند؛ ۳. سلطه فرهنگی - معرفتی، که گسترش ارزش‌های لیبرالی به‌مثابه معیار جهان‌شمول را دنبال می‌کند. در نگاه انتقادی آیت‌الله مصباح یزدی، این ساختار که با مبانی توحیدی، عدالت‌محوری و انسان‌مداری در تعارض قرار دارد، ابزاری برای تحمیل اراده قدرت‌های استکباری بر سایر ملت‌هاست. ایشان در این باره می‌فرمایند:

قدرت‌های استعماری در راستای سیاست‌های استکباری خود سعی می‌کنند ملت‌ها را در جهت اهداف استعماری خود سوق دهند و آنها را از فرهنگ اصلی خود تهی کنند و از طریق تحمیل فرهنگ وارداتی، نظم و فرهنگ ملت‌ها را در دست داشته باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۶). در نگاه علامه مصباح، دو رکن شکل‌گیری این نظام، مستکبران و ظلم‌پذیران هستند:

فخر فروشی گردن‌کشان خود حاکی از وجود جمعیتی است که این صفت زشت و شیطنانی آنان را برمی‌تابند و عکس‌العمل مناسبی نشان نمی‌دهند و به این ترتیب بستر مناسبی برای حرکت ایشان در مسیر تباهی به‌وجود می‌آورند و امتیازاتی را که آنان برای خود قائل هستند، چه واقعی و چه موهوم و خیالی، به رسمیت می‌شناسند؛ در حالی که اگر پای چنین افراد سست‌عنصری در میان نبود، هیچ‌گاه تکبری محقق نمی‌شد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۸۵).

ایشان از اینکه چنین رابطه‌ای زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام استکباری می‌شود، فراتر می‌روند و تصریح می‌کنند: «افرادی که در رؤیای شیطنانی فشردن دست صفا و صمیمیت با آمریکایی‌ها هستند و به آنان با دیده دوستانی ارزشمند می‌نگرند، حقیقتاً خود، آمریکایی هستند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۴).

## ۱-۲. مفهوم نظام سلطه و الگوهای مواجهه با آن

نظام سلطه در ادبیات سیاسی اسلامی به ساختاری جهانی اطلاق می‌شود که روابط آن بر مبنای استثمار، تبعیض، سلطه فرهنگی و اقتصادی، و نفی استقلال ملت‌ها استوار است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند:

نظام سلطه یعنی دنیا تقسیم بشود به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ یک عده‌ای حتماً بایستی قدرتمندانه بر همه دنیا حکمرانی کنند؛ کشورهای دیگری هم بایستی زیر پوشش‌های مختلف از اینها اطاعت کنند. این نظام سلطه را پیشرفت علمی اروپا به‌وجود آورد (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۷/۲۷).

در گفتمان‌های معاصر در جوامع اسلامی در مواجهه با نظام سلطه سه رویکرد اصلی تعامل، تقابل و ترکیبی از تعامل و تقابل را می‌توان مشاهده کرد. گفتمان تعامل به تعامل انتقادی و اصلاح از دورن توجه دارد و بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در نهادهای بین‌المللی تأکید می‌کند و اصلاح تدریجی ساختار نظام بین‌الملل را مورد توجه قرار می‌دهد. گفتمان تقابل، نظام بین‌الملل کنونی را اصلاح‌ناپذیر می‌داند و بر نفی کامل ساختار موجود و تلاش برای برپایی نظام جهانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انسانی تأکید می‌ورزد. گفتمان سوم با پیشنهاد راه‌حل‌های میانه و مشروط، ترکیب تعامل و تقابل بر اساس مصلحت و حفظ هویت دینی را مورد توجه قرار می‌دهد. علامه مصباح یزدی منش غرب در نظام بین‌الملل کنونی را سلطه‌گری و برتری‌جویی می‌داند:

روح مستکبر و تجاوزگر آنان هیچ مرزی را نمی‌شناسد و هیچ قانونی را - حتی اگر خودش وضع کرده باشد - معتبر نمی‌داند! اینان تا زمانی که وجود انسان‌های سربلند و باشرف دیگری را در کنار خود احساس کنند، خوی تجاوز و سلطه‌جویی آرامشان نمی‌گذارد؛ فقط هنگامی آسوده‌خاطرند که تمام قدرتمندان در چنگال آنها اسیر باشند و نتوانند در مقابلشان عرض اندام کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۳۷).

ایشان با بیان اینکه امروزه استکبار جهانی در تقابل با تفکر توحیدی قرار گرفته است، تأکید می‌کنند که تمام ادیان توحیدی باید به مبارزه مشترک در مقابل استکبار جهانی - که دشمن مشترک تمام ادیان توحیدی است - برخیزند؛ «دشمنی که با استفاده از تکنولوژی پیشرفته دنیا را به‌صورت دهکده جهانی درآورده است و می‌خواهد به‌نفع خود در اختیار بگیرد و متأسفانه این سیستم شرک‌آلود تا حدی موفق بوده و یک جریان الحاد و بی‌دینی سیستماتیک ایجاد کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹).

از منظر آموزه‌های قرآنی، این نظام، معادل جبهه باطل و مصداق «طاغوت» تلقی می‌شود که با جبهه حق در تقابل دائمی قرار دارد:

این منش استکباری است و ما با چنین خوی و منشی سر جنگ داریم و معتقدیم که حقوق انسانی با قانون جنگل تأمین نمی‌شود؛ بلکه باید قوانین و مقررات انسانی بر زندگی بشر حاکم باشد تا همه انسان‌ها به حقوق حقه خود دست یابند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۳۷).

### ۳-۱. مبانی نظری مواجهه با نظم بین‌الملل در اندیشه سیاسی علامه مصباح

اندیشه سیاسی مبنای کنشگری در عالم واقع است؛ زیرا میان اندیشه و عمل نسبت دوسویه برقرار است و این بدان معناست که هر کنش سیاسی مسبوق به اندیشه سیاسی است (عبدالله‌نسب، ۱۴۰۲، ص ۱۳۹). در پرتو

اندیشه سیاسی، بینش همه‌جانبه از جامعه سیاسی به دست می‌آید که با تمرکز در موضوعاتی مانند سرشت آدمی و دیگر خصوصیات جهان پیرامون ما، سیاست و کنش سیاسی را توصیف می‌کند. طرح کلی در هر نظریه سیاسی، توصیف همه‌جانبه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌هاست (اسپریگنز، ۱۳۸۹، ص ۲۱-۲۲).

دستگاه نظری منسجم در اندیشه سیاسی علامه مصباح یزدی چگونگی مواجهه با نظم بین‌الملل موجود را تعیین می‌کند. در این منظومه فکری، دین با درآمیختگی عینی با سیاست «بر مجموعه زندگی و حیات انسان و همه عرصه‌های وجودی او پرتو می‌افکند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶ الف، ج ۱، ص ۵۱) و چگونگی روابط با سایر ملل را تعیین می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۲۲). سیاست عرصه تحقق ارزش‌های الهی و قدرت ابزاری جهت حفظ عزت و هویت اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۱۲۰). در این نگاه، مشروعیت نظم سیاسی برگرفته از شریعت و ولایت الهی است و نظم جهانی سکولار از آن جهت که با مبانی توحیدی ناسازگار بوده و نمی‌تواند عدالت را که هدف نهایی نظم اجتماعی است، تحقق بخشد، نامشروع تلقی می‌شود. چنین تلقی‌ای ضرورت اتخاذ راهبردی فعال و مبتنی بر نفی سلطه را ایجاب می‌کند؛ راهبردی که از سطح باور و بینش آغاز می‌شود و تا سطح کنش سیاسی و بین‌المللی امتداد می‌یابد.

#### ۱-۴. مفهوم و مؤلفه‌های گفتمان مقاومت در اندیشه سیاسی اسلامی

«مقاومت» واژه‌ای عربی است که از ریشه «قام» گرفته شده و از نظر لغوی به معنای با او برخاستن و با او مخالفت کردن است (بستانی، ۱۳۷۶، ص ۶۸۰) و در زبان فارسی معانی ایستادگی کردن، با کسی در امری برابری کردن و ضدیت کردن برای آن ذکر شده است (فست دیکشنری، ۱۴۰۴/۰۶/۱۸، ذیل واژه مقاومت).

مقاومت یک مفهوم فردی دارد که تاب‌آوری را می‌رساند و یک بعد و مفهوم جمعی دارد که به معنای تلاش برای حفظ خود در برابر غیر است. «غیر» عنصر معنابخش در مفهوم مقاومت در بعد جمعی است. در معارف اسلامی در جوهره مقاومت، از یکسو ایستادگی و پایداری در مسیر فطرت و رسیدن به جامعه توحیدی و از سوی دیگر تقابل با ظلم نهفته است. از این جهت، مقاومت از اصول اولیه و مؤلفه بنیادین در زندگی انسان شمرده می‌شود که در متن دستورهای دین اسلام قرار دارد؛ زیرا انسان در فرایند زندگی اجتماعی با مشکلات و موانع متعددی، از جمله حاکمیت طاغوتی، استکبار و سلطه‌گری دیگر انسان‌ها مواجه است که بدون مقاومت در برابر آنان، زندگی انسانی و حیات طیبه - که قرآن از آن نام برده - از انسان سلب می‌شود.

بر مبنای آموزه قرآنی، که مقاومت و پایداری در تمام امور را دستور می‌دهد (هود: ۱۱۲)، مقاومت معنای عامی به خود می‌گیرد و تمامی موارد انجام وظیفه و ایفای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی را - که با آن دستیابی به هدف ممکن می‌شود - دربرمی‌گیرد. با وجود این، این مفهوم در ترمولوژی دانش سیاسی مفهوم جدیدی

است که متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بیداری اسلامی، در رهیافت‌های سیاسی برای بررسی خیزش تمدنی اسلامی مورد توجه اندیشمندان و سیاستمداران قرار گرفت. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تعریف این مفهوم می‌فرماید:

معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند؛ راه درست می‌داند؛ و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند. این معنای مقاومت است (حسینی خامنه‌ای، ۱۴/۰۳/۱۳۹۸).

تحقق مقاومت در برابر نظام سلطه بین‌المللی نیازمند مؤلفه‌های کلیدی است؛ مانند: آگاهی و بیداری امت اسلامی؛ کسب قدرت و تقویت بازدارندگی؛ ایجاد جبهه متحد توسط کشورهای مستقل و مستضعف؛ و تعامل هویتمند و مشروط با بازیگران در راستای تحقق نظم عادلانه جهانی. با این نگاه، مقاومت نه یک عمل انفعالی، بلکه گفتمان نقش‌آفرین در عرصه بین‌المللی است که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل، در کنار هم ایجاد تمدن نوین اسلامی و نظم جدید بین‌المللی را دنبال می‌کنند.

## ۲. نظریه مقاومت در منظومه فکری علامه مصباح یزدی

نقطه کانونی و مرکزی نظریه مقاومت در اندیشه علامه مصباح، تحکیم اراده اخلاقی - سیاسی فرد و جامعه اسلامی بر پایه آموزه‌های دینی، صبر، جهاد، تسلیم نشدن در برابر استکبار و نظام سلطه، همراه با مشروعیت‌بخشی به نظام ولایی است. در این منظومه فکری، مقاومت، هم فضیلت اخلاقی است که در خویش‌داری و صبر بروز و ظهور می‌یابد، هم تکلیف دینی است که با جهاد و فداکاری تحقق می‌یابد و هم سیاست عقلانی است که استقلال و نفی تسلیم در برابر نظام سلطه را دنبال می‌کند.

### ۲-۱. مقاومت به‌عنوان فضیلت اخلاقی و معنوی

مقاومت در برابر سلطه و دفاع از اصول، ارزش‌ها و هنجارها پایه و اساس زندگی عزتمندانه و ساختن تمدن نوین در عرصه جهانی است. از همین رو مقاومت در جامعه اسلامی را می‌توان محصول اندیشه زنده داشتن انسان و زندگی بر مبنای دین و شیوه دینی دانست؛ زیرا «در دستیابی به سعادت، صرف ایمان به خدا و پذیرش دین حق و مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) کافی نیست؛ بلکه باید در این راه پایداری کنیم و استقامت به‌خرج دهیم. باید مراقب باشیم تا لحظه‌ای منحرف نشویم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۹۸).

علامه مصباح مقاومت را به‌عنوان فضیلت اخلاقی، نزدیک‌ترین مصداق صبر و خویش‌داری می‌داند. در نگاه ایشان، مقاومت در برابر هوس‌ها، فشارهای و وسوسه‌ها ابتدا یک فضیلت فردی است که زمینه مقاومت اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌سازد (حوزه‌نت، ۲۱/۰۴/۱۳۹۲). ایشان تأکید می‌کنند که مقاومت، نه صرفاً یک

تاکتیک سیاسی، بلکه محصول یک گفتمان است که با ریشه‌های معرفتی و ایدئولوژیکش تکلیف دینی مبارزه با نظم استبدادی و سلطه مستکبران را مشخص می‌کند. بر این اساس، مقاومت، هم بعد معنوی و اخلاقی دارد و هم کنش سیاسی و میدانی را شامل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۶۴-۶۶).

مقاومت به معنای ایستادگی فکری، فرهنگی، سیاسی و گاهی نظامی در برابر سلطه برای حفظ استقلال و هویت دینی و سیاسی، عدم تبعیت از تحمیل ارزش‌ها و تلاش برای تشکیل یا تقویت ظرفیت‌های قدرت در جوامع اسلامی است تا بتوانند نه فقط وابسته نباشند، بلکه در برابر فشارها و تهدیدات خارجی بایستند. این چیزی است که در حمایت‌ها و پشتیبانی‌های علامه مصباح از محور مقاومت در سه سطح «مبانی فکری»، «حمایت معنوی و روحی» و «حمایت میدانی از مقاومت» قابل مشاهده است (محمدی، ۱۳۹۹).

## ۲-۲. چرایی و ضرورت مقاومت در برابر نظام سلطه

همان‌گونه که در پیدایی و شکل‌گیری هر پدیده اجتماعی وقایعی دخیل است که در بستر جامعه به صورت پروسه یا پروژه صورت می‌گیرد، چرایی پیدایی و شکل‌گیری مقاومت، به‌ویژه در شکل فعلی آن نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد. از این‌رو در چرایی و پیدایی مقاومت، هم عامل درونی و هم عامل بیرونی را باید مورد توجه قرار داد. از نگاه درونی، بر اساس اندیشه اسلامی، انسان در منظومه فکری علامه مصباح موجودی است کرامت‌خواه و این کرامت‌خواهی در ذاتش نهفته است. کرامت مستلزم حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش به‌عنوان ودیعه الهی است و با سلطه بیگانگان سازگاری ندارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۹). هیچ کس نمی‌تواند این ودیعه را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه دیگری قرار دهد. به تعبیر رهبر انقلاب، مقاومت واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴). انسان کرامت‌خواه برای حفظ کرامت و عزت خود و جامعه خود در مقابل هر نوع تجاوز و سلطه‌گری به مقاومت برمی‌خیزد. انسان و جامعه در صورتی به تعالی، سعادت، عزت و کرامت دست می‌یابد که در راه رسیدن به هدف، استقامت ورزد و به بیراهه نرود. این دوری از بیراهه رفتن آن قدر اهمیت دارد که قرآن کریم به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با آن همه بزرگی و عظمت دستور می‌دهد که مواظب باش راه را گم نکنی: «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» (هود: ۱۱۲). نتیجه مواظبت در استقامت بر راه راست و پایداری در آن، برخورداری از نعمت‌های الهی است: «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶). علامه مصباح با همین نگاه قرآنی، خضوع و استکانت در برابر مستکبران را که با هدف دستیابی به مطامع دنیوی صورت می‌گیرد، ظاهرش را ذلت و خواری و تهی شدن از کرامت، و باطنش را خسران و هلاکت می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، الف، ج ۱، ص ۱۱۱).

از نگاه بیرونی، چرایی مقاومت را باید در استعمار و سلطه‌گری غرب جست‌وجو کرد. سلطه‌گری و حرکت‌های استعماری غرب ابتدا در شکل استعمار کهن و سلطهٔ سیاسی دنبال می‌شد؛ اما با توجه به ذات فزون‌طلبانه‌ای که داشت، به‌زودی بعد فرهنگی به خود گرفت تا همان‌گونه که در خود جوامع غربی دین را از صحنهٔ زندگی اجتماعی حذف کردند، اندیشهٔ اسلامی را نیز در موزهٔ تاریخ اندیشه‌های الهی قرار دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۴۲). در این روند که غرب به‌دلیل تسلط اندیشه‌های انسان‌گرایانه با محوریت اعتلای قدرت و ثروت در رسیدن به اهداف خود از هیچ ابزاری فروگذار نکرد، جوامع اسلامی در سایهٔ آگاهی‌بخشی نخبگان و اندیشمندان متعدد به بیداری دست یافت و در پرتو آن، در مقابل غرب به مقاومت برخاست. اوج این مقاومت‌ها که به‌صورت عینی در عرصهٔ بین‌الملل ثمربخش بود، در آگاهی‌بخشی و حرکت امام خمینی علیه السلام تبلور یافت که به تشکیل نظام اسلامی انجامید و با سیر تکاملی‌ای که داشت، بعد بین‌المللی پیدا کرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری محور مقاومت شد.

در زمان کنونی، مقاومت به‌عنوان یک مکتب، برقراری عدالت و نظم عادلانهٔ بین‌المللی را - که برگرفته از متن آموزه‌های قرآنی است - مورد توجه قرار داده است. برقراری نظم عادلانهٔ بین‌المللی مستلزم نفی ظلم و انظلام است؛ زیرا عدالت در یک معنا، یعنی نه ظلمی وجود داشته باشد و نه ظلمی پذیرفته شود. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «احکام اسلام روی عدالت است... و عدالت یعنی نه ظلم بکن و نه زیر بار ظلم برو» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۵۳۳).

نظریهٔ مقاومت در اندیشهٔ علامه مصباح یزدی رویکردی راهبردی برای مواجهه با نظام سلطهٔ جهانی است که بر ایستادگی فعال، حفظ هویت دینی و تلاش برای تحقق آرمان‌های الهی در عرصهٔ سیاست بین‌الملل تأکید دارد. این نظریه، مقاومت را نه صرفاً واکنش دفاعی در برابر تهدیدها، بلکه حرکتی هدفمند برای تغییر موازنهٔ قدرت و فراهم‌سازی زمینهٔ ایجاد نظم جهانی عادلانه می‌داند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعِ الْأَعْيَانِ لِلْفُقَرَاءِ طَلَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ، وَأَحْسَنُ مِنْهُ تِيَةُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ إِتْكَالًا عَلَى اللَّهِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۶)؛ چه زیباست فروتنی توانگران در پیشگاه تنگدستان با هدف نیل به آنچه نزد خداست؛ و زیباتر از آن، سرفرازی تنگدستان در برابر دولت‌مردان به‌جهت توکل بر حضرت حق تعالی است. علامه مصباح با اشاره به این فرمایش امام علی علیه السلام، می‌گوید:

دستور العمل روح‌بخش امیر مؤمنان علیه السلام، هم در موارد جزئی و فردی عزت می‌آفریند و هم در سطح وسیع‌تر و در روابط بین‌المللی نویدبخش نشاط و افتخار روزافزون است؛ یعنی همان‌گونه که در موردی خاص تهیدست مؤمنی فخرفروشی توانگر مغرور را با بی‌اعتنایی پاسخ گفت، ملت بزرگی هم که از مکتب اهل‌بیت علیهم السلام بهره گرفته است، در برابر همهٔ زورمداران جهان با اقتدار و عظمت برخورد کرده و هرگز در مقابل دستگاه حاکم آمریکا و دیگر ستمگران، که بویی از انسانیت نبرده‌اند،

سر تسلیم فرود نخواهد آورد. این چنین ملتی با عزت والایی که لازمه بندگی راستین خداوند است، از ارتکاب گناه بزرگ «ظلم‌پذیری و تمکین ستم‌پیشگان» به شدت احتراز خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۹۲).

### ۲-۳. مبانی نظری مقاومت

واژه «مبنا» از نظر لغوی به معنای اساس، پایه، شالوده و بنیاد است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۱۱۹). در مباحث علمی، مبانی به مؤلفه‌هایی اطلاق می‌شود که زیربنای نظریه را تشکیل می‌دهند و اصول و اهداف نظریه بر اساس آن تعریف می‌شود. در منظومه فکری علامه مصباح، مقاومت به عنوان یک مکتب و تفکر، بر اساس مبانی خاص برگرفته از آیات قرآن و روایات ائمه معصوم علیهم‌السلام، که اندیشه و عمل تقابل با سلطه‌گری را شکل می‌دهد، قابل تحلیل و بررسی است.

#### ۱-۳-۲. مبانی معرفت‌شناختی: جهان‌بینی توحیدی

جهان‌بینی به معنای نوع نگاه، تفسیر و برداشتی است که یک مکتب از جهان هستی و موجودات در آن ارائه می‌دهد. در جهان‌بینی توحیدی، حاکمیت خداوند به عنوان خالق هستی بر جهان و تمام موجودات در آن، اولین اصل است. این اصل، تأثیر جهت‌بخش بر فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان دارد و او را در برابر سرنوشت خود و جامعه انسانی مسؤل قرار می‌دهد تا برای برقراری نظم توحیدی تلاش کند و در مقابل نظم طاغوتی و استکباری به مبارزه و مقاومت برخیزد.

تفکر و اندیشه مقاومت که امروز به مؤلفه تعیین‌کننده در معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای تبدیل شده است، در منظومه فکری علامه مصباح ریشه در ایمان به خدا و حاکمیت توحیدی دارد. در دیدگاه ایشان، اصل توحید که اولین اصل در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است، شکل‌دهنده نوع زندگی و رفتار انسان در عرصه‌های مختلف است. این اصل با ابعاد مختلفش (توحید در خالقیت، عبادت، ربوبیت تکوینی و تشریحی و...) باعث خلق ادبیات گسترده و پربراری در تقابل با نظام سلطه و پایداری در برابر آن شده است.

در آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، توحید نه یک اعتقاد قلبی، بلکه اصلی است که به تمام زندگی انسان جهت می‌دهد و بدان معنا می‌بخشد. انسان موحد و مسلمان بر مبنای اصل توحید، تدبیر کل جهان و حاکمیت بر آن را از آن خداوند می‌داند. بر همین مبنا، اسلام انسان مسلمان و جامعه اسلامی را فرامی‌خواند که جز از خدای یگانه نترسند و جز او از کسی کمک نخواهند و در مقابل هیچ کس جز خدای متعال کرنش نکنند و به طور کلی توجه عمیق آنان همیشه به او باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

حاکمیت توحیدی حاصل نگاه دینی انسان به جهان و تمام مخلوقات، از جمله انسان است که به عنوان یک

اصل مطلق و عام، بایدهای و نبایدهای انسان در زندگی را شکل می‌دهد و بدان جهت می‌بخشد؛ بدین معنا که اصل توحید تمام توجه انسان در تمام ابعاد زندگی را معطوف به خداوند قرار می‌دهد. بر مبنای این اصل، تمام ارکان زندگی انسان در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ارتباط با خود و دیگران بر اساس حاکمیت و ولایت تشریحی الهی استحکام می‌یابد. توحید اساس نفی هر گونه سلطه‌پذیری و مبارزه با طاغوت است. با این اعتقاد، انسان مسلمان و جامعه اسلامی هیچ‌گاه ذلت، زبونی و سلطه را نمی‌پذیرد و مقاومت در برابر سلطه و حاکمیت غیرتوحیدی، ظلم‌ستیزی و کرنش نکردن در مقابل ظلم، از نتایج اعتقاد به حاکمیت الهی و توحید در حاکمیت است. علامه مصباح در این باره می‌فرماید:

جهانخواران سلطه‌گر در سرتاسر قرن اخیر با همه امکانات تلاش کرده‌اند که جهان‌بینی اومانیسیم را در همه جهان و به‌ویژه در کشورهای جهان سوم و بالاخص در ممالک اسلامی توسعه دهند و هدف آنها سرسپردگی مطلق و وابستگی همه‌جانبه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و غارت فرهنگ و منابع این کشورها بوده است. در این رابطه، آنها با به‌کارگیری تمامی شیوه‌ها و ابزارهای مخرب سعی کرده و می‌کنند تا فرهنگی را که ریشه الهی دارد و محور همه حرکات‌های آن بینش توحیدی است، به‌عنوان سد مستحکمی که در مقابل آنها قرار دارد، از میان بردارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

در این نگاه، مقاومت مصداق توحید در عرصه اجتماعی و سیاسی است.

## ۲-۳-۲. مبانی انسان‌شناختی: آزادی و کرامت

آموزه‌های مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام که مبتنی بر عقل و وحی است، انسان را موجودی می‌داند که آزاد آفریده شده است. بر این اساس، اصل اولی در زندگی انسان نفی سلطه و ولایت انسان دیگر بر زندگی اوست. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بندگی غیر خودت را نپذیر؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۹). بر همین مبناست که رهبر انقلاب مقاومت را واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرافت در مقابل تحمیل و زورگویی می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

علامه مصباح هدف از آفرینش طبیعت را فراهم شدن زمینه آفرینش انسان می‌داند تا با فعالیت اختیاری به والاترین کمال امکانی نایل شود. چنانچه انسان اختیار و آزادی نداشته و تحت سلطه ستمگران باشد، دستیابی به کمال انسانی از او سلب می‌شود؛ زیرا تکامل حقیقی انسان تکامل اختیاری است و این امر بدون آزادی او ممکن نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۴۱۰). در نگاه ایشان، سلب آزادی و اختیار از انسان از اغراض سیاسی ستمگران است تا از این طریق «افکار، رفتارها و کردارهای ناشایست خودشان را توجیه کنند و توده‌های ناآگاه را به پذیرفتن سلطه و سیادتشان وادار نمایند و ایشان را از مقاومت و حرکت و قیام بازدارند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸ ب، ص ۱۷۴).

### ۳-۲. مبانی جامعه‌شناختی: جامعه‌رها از سلطه

یکی از حقایق مسلم در بینش اسلامی این است که خداوند به مسلمانان باایمان اجازه نمی‌دهد که زیر بار ذلت مشرکان، کفار و منافقان بروند. قرآن کریم عزت مسلمانان و جامعه اسلامی را با اصل نفی سبیل در نفی سلطه کفار و بیگانگان از مقدرات آنان می‌داند. نفی سبیل، که مستند اصلی آن آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء است، یکی از قواعد مهم و اساسی در فقه اسلامی است و مبنای احکام متعدد در جهت حفظ عزت جامعه اسلامی قرار گرفته است و یکی از مبانی مقاومت برای حفظ عزت و سیادت مسلمانان و نفی سلطه بیگانگان به‌شمار می‌رود. در بُعد جامعه‌شناختی، این یک حقیقت است که جامعه و شرایط اجتماعی تأثیر بسزایی در ساختار شخصیت افراد دارد. انسان زمانی به عزت دست می‌یابد که در محیط اجتماعی سالم و به‌دور از سلطه و تحقیر زندگی کند. یکی از مسائل مهمی که باید در این زمینه مراعات شود، مهیا کردن محیط اجتماعی برای رشد اشخاص مسلمان به‌گونه‌ای است که همه افراد جامعه در آن احساس شخصیت و سرافرازی کنند؛ زیرا از مهم‌ترین عوامل زبونی و پستی و شکست انسان در زندگی، احساس حقارت است. یک جامعه سرخورده که خود را تحت سیطره و بهره‌کشی کافران احساس کند، به تدریج شخصیت و هویت اسلامی و منش انسانی خود را از دست می‌دهد و زمینه زبونی و پستی‌اش در نسل‌های آینده فراهم می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۴۷-۴۸).

همین رابطه در سطح بین‌المللی نیز مطرح است؛ به این معنا که در سطح جهانی، زمینه بالندگی جامعه اسلامی زمانی فراهم می‌شود که عزت، عظمت و سیادت جامعه اسلامی پذیرفته شود. اگر جوامع مسلمان در روابط بین‌المللی با مسائل جهانی به‌گونه‌ای برخورد کنند که موجبات ذلت و تحقیرشان فراهم شود، از بالندگی و پیشرفت بازمی‌مانند و در سطح جهانی با شکست مواجه می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۴۷-۴۸).

عرصه بین‌الملل عرصه مبارزه و تقابل است. مستکبران برای سلطه بر جامعه اسلامی از ابزار و نقشه‌های مختلف در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و... در سطح جهانی و بین‌المللی بهره می‌گیرند و برای مقابله و ایستادگی در برابر آن، تصمیم جمعی از طرف جامعه اسلامی لازم است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۹). بدین ترتیب، مقاومت در منظومه فکری علامه مصباح دکترین و نظریه مبناداری است که بر مبانی مشخص معرفت‌شناسی (جهان‌بینی توحیدی)، انسان‌شناسی (کرامت، حریت و آزادی انسان) و جامعه‌شناسی (نفی سلطه‌گری) استوار است.

### ۴-۲. اهداف و غایات مقاومت

غایت اصلی نظریه مقاومت، نه بقا در نظم موجود و نه صرف مقابله مقطعی با تهدیدات، بلکه ایجاد تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که بر پایه عدالت، توحید، استقلال ملل و همبستگی امت اسلامی شکل گیرد. در این چهارچوب، مبارزه با نظام سلطه یک وظیفه دینی و تکلیف الهی تلقی می‌شود که نیازمند بهره‌گیری از همه

ابزارهای مشروع نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

در گفتمان دینی و راهبردهای اجتماعی، مقاومت صرفاً به معنای مبارزه نظامی و جهاد مسلحانه نیست؛ بلکه گاه در قالب پایداری روانی و فکری، مانند حفظ روحیه جمعی، پرهیز از خودباختگی، اصرار بر مواضع منطقی، عدم عقب‌نشینی از حقوق مشروع، و پایداری در برابر فشارهای بیرونی تحقق می‌یابد.

از منظر وحی الهی، هرگاه یک ملت به جای مقاومت فعال در برابر دشمنان، راه سازش و عقب‌نشینی از حقوق خود را برای تأمین آرامش ظاهری برگزیند، باید آگاه باشد که دشمنان امت اسلامی به کمتر از چشم‌پوشی کامل از اسلام و دست برداشتن از ارزش‌های الهی رضایت نخواهند داد. قرآن کریم در آیه‌ای صریح تأکید می‌کند: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰)؛ یهود و نصاری هرگز از تو خشنود نخواهند شد، مگر آنکه از آیین آنان پیروی کنی.

بنابراین، پندار مصونیت از تهدید دشمن با عقب‌نشینی محدود و سازش مدیریت‌شده، تصویری نادرست است؛ چراکه تجربه تاریخی نشان داده است که هر گونه نرمش و عقب‌نشینی حتی در کوچک‌ترین سطح موجب افزایش جسارت، طمع و گستاخی دشمن می‌شود و آنان را در پیگیری اهداف سلطه‌گرایانه مصمم‌تر می‌سازد. بر اساس آموزه‌های قرآنی، خداوند از مسلمانان و جامعه اسلامی می‌خواهد که در برابر فشارهای بیرونی و تلاش دشمنان برای ضربه زدن به جامعه اسلامی، پایداری و استقامت پیشه کنند تا مسیر فتح و رستگاری بر آنان گشوده شود. این فرایند در دو مرحله باید مورد توجه قرار گیرد: نخست، صبر و خویشتن‌داری فردی در برابر سختی‌ها و هواهای نفسانی؛ و دوم، استقامت جمعی در برابر تهدیدات دشمن. آنچه این روحیه مقاومت را در کالبد امت اسلامی می‌دمد، ایمان به نصرت الهی و باور به تحقق وعده‌های خداوند است (محمد: ۷). امام علی علیه السلام با دستور به مقاومت به مالک اشتر می‌فرماید:

اگر کوه‌ها متزلزل شود، تو تکان مخور! دندان‌هایت را بر هم بفشار و جمجمه خویش را به خدا عاریت ده! قدم‌هایت را بر زمین می‌خکوب کن! و نگاهت به آخر لشکر دشمن باشد! چشمت را فروگیر [و مرعوب نفرات و تجهیزات دشمن نشو]! و بدان که نصرت و پیروزی از سوی خداوند سبحان است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱).

در عرصه بین‌الملل کنونی، این یک واقعیت است که تقابل محور مقاومت - که در رأس آن جمهوری اسلامی قرار دارد - با نظام سلطه، تقابل و اختلاف ریشه‌ای و مبنایی و از جنس تقابل دو نوع نگاه به جهان و انسان و ارزش‌های انسانی است. این اختلاف، در تعیین مسیر و شیوه زندگی و زیستن است. گفتمان مقاومت که جامعه اسلامی را در مسیر تمدنی جدید قرار داده و می‌دهد، در نظام معرفتی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی اسلام و حاکمیت نظام اسلامی قابلیت رشد و بالندگی می‌یابد و با سازش و اطاعت از غرب سازگاری ندارد. از همین

روست که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «نمی‌توانیم در مسائل گوناگون سیاسی و اقتصادی و دیگر چیزها پیرو مبانی تمدن مادی غرب باشیم... مبانی تمدن غرب مبانی غلطی است؛ مخالف با مبانی اسلامی است. ارزش‌های آن تمدن، ارزش‌های دیگری است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۱۲/۱۸).

این تقابل بنیادین و ریشه‌ای را می‌توان با بهره‌گیری از اندیشه‌های علامه مصباح این‌گونه بیان کرد که مهم‌ترین مبانی تمدن غرب که نوع زندگی غربی را رقم زده، عبارت‌اند از: الحاد عملی، انسان‌محوری، پلورالیسم و کثرت‌گرایی، سکولاریسم، لذت‌گرایی و سودگرایی. این مبانی در همه عرصه‌ها، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، علمی، هنری و امثال آن، خود را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر، نظم جهانی لیبرالی مبتنی بر این نوع نگاه به عالم و آدم و معرفت و اخلاق است. این در حالی است که مهم‌ترین مبانی‌ای که محور مقاومت بر اساس آن تمدن‌سازی نوین اسلامی را مورد توجه قرار داده است، عبارت‌اند از: توحیدمحوری در همه ابعاد و لایه‌های آن، به‌ویژه توحید در ربوبیت تشریحی؛ خلیفه خدا بودن انسان؛ اصالت قرب و نزدیکی انسان به خدا؛ عینیت سیاست و دیانت؛ و عدالت‌محوری. طبیعی است که این مبانی نیز در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، هنری و... بروز می‌یابد که ثمره آن بیداری اسلامی و آغاز تمدن نوین اسلامی است.

تقابل گفتمان مقاومت و غرب در عرصه بین‌الملل، که مشهود همگان است، رویه و شکل بیرونی تقابل بنیان‌های معرفتی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی دو مکتب است؛ زیرا:

در جهان معاصر، هویت و شخصیت حقیقی جوامع اسلامی، در پرتو فرهنگ و ایدئولوژی آسمانی‌شان رقم می‌خورد؛ بدین معنا که اگر جهان غرب با ابتنا بر انسان‌محوری، با فرهنگ مادی و تکنولوژی پیشرفته‌اش شناخته می‌شود، جهان اسلام با ابتنا بر خدامحوری، با معنویت، انسانیت و اخلاق، و با فلسفه و حکمت و ایدئولوژی متافیزیکی‌اش هویت می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

بنابراین هر گونه عقب‌نشینی و کوتاه آمدن در تقابل‌های ظاهری و رویین، اگر نشانه‌ای از عقب‌نشینی و شکست در تقابل‌های مبنایی نباشد، دست‌کم به عقب‌نشینی در بنیان‌های فکری و هویتی منجر خواهد شد و این امری است که تقابل و مقاومت در مقابل غرب را در اندیشه علامه مصباح به امر حتمی و الزامی تبدیل کرده است.

### ۳. نسبت نظریه مقاومت با نظم جهانی

گفتمان مقاومت در اندیشه علامه مصباح یزدی چهارچوبی منسجم برای جهت‌دهی به تعامل یا تقابل در عرصه بین‌الملل را فراهم می‌آورد. این چهارچوب با تکیه بر اصول توحیدی، عدالت‌محوری و استقلال‌طلبی، راهبردی بلندمدت برای مقابله با نظام سلطه ارائه می‌کند. ظرفیت‌های این گفتمان شامل ایجاد هم‌گرایی میان کشورهای مستقل، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و تقویت بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی است.

### ۳-۱. مقاومت به‌منابۀ راهبرد در برابر نظام سلطه

در نگاه علامه مصباح یزدی، نظام بین‌الملل معاصر مجموعه‌ای از ساخت‌ها و نهادهایی است که منافع و ارزش‌های قدرت‌های بزرگ را بازتولید می‌کنند و از طریق قدرت سخت (نظامی) و قدرت نرم (فرهنگ، اقتصاد، رسانه، نهادهای بین‌المللی) بر سایر جوامع تأثیر می‌گذارند. بنابراین، مقاومت را باید نه صرفاً به‌منابۀ تاکتیک نظامی، که به‌منزلهٔ راهبرد جامع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معرفتی تلقی کرد.

بدین ترتیب در اندیشهٔ ایشان، تقابل با نظام سلطه یک ضرورت ذاتی و برگرفته از آموزه‌های قرآنی دربارهٔ تقابل جبههٔ حق و باطل است (انعام: ۱۱۲). این تقابل که ریشه در سنت الهی در ساختار جوامع انسانی دارد، صرفاً جنبهٔ تدافعی ندارد؛ بلکه ماهیتی تهاجمی و آرمان‌محور دارد که هدف آن تغییر قواعد بازی و برهم زدن موازنهٔ قدرت به‌نفع جبههٔ حق است؛ زیرا تقابل اصلی محور مقاومت با نظام سلطه در عرصهٔ فرهنگ و تمدن است و مستکبران با ترسی که از تمدن و فکر اسلامی دارند، آن را هدف قرار می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۶۷). هدف اصلی مستکبران تغییر فکر و اندیشه، جلوگیری از شکل‌گیری ایمان به آخرت، ممانعت از پیدایش بینش معنوی در مردم و حذف ارزش‌های والای انسانی و فوق‌مادی است و اگر این هدف محقق شود، سایر مفاسد نیز به‌دنبال آن خواهد آمد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۲-۸۳). بر این اساس، بی‌تفاوتی یا سازش به‌معنای پذیرش سلطه و از دست دادن استقلال هویتی است.

علامه مصباح تحقق مقاومت را نیازمند آگاهی‌بخشی و بیداری امت اسلامی، ایجاد جبههٔ متحد کشورهای مستقل و مستضعف، و تعامل مشروط با قدرت‌ها در راستای قدرتمندی جبههٔ حق و تحقق منافع آن می‌داند.

### ۳-۲. تعامل هویت‌مند و مشروط با نظام بین‌الملل

علامه مصباح یزدی، هرچند اصل را بر مقاومت و ایستادگی در برابر سلطه‌گری و نظام سلطه می‌گذارد، تعامل را در صورتی که به تقویت جبههٔ حق، تضعیف جبههٔ باطل یا پیشبرد اهداف راهبردی امت اسلامی منجر شود، مجاز می‌داند. ایشان با این نگاه که جامعهٔ اسلامی با امور معنوی خود شناخته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۴۰) و زندگی مادی و منافع مادی وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن به مصالح معنوی و تکامل انسانی است، معتقدند که در صورت تراحم آن دو، تقدم با امور معنوی است؛ اما اگر قوام جامعهٔ اسلامی یا نظام اسلامی به تأمین مصالح مادی و تقدم آن بر مصالح معنوی بستگی داشته باشد، می‌توان کمالات معنوی را فدای مصالح مادی مهم کرد:

ممکن است مصالح معنوی فدای مراتب عظیمی از مصالحی شود که اگر آن مصالح مادی تأمین نشود، مصالح معنوی هم در درازمدت به‌خطر می‌افتد. فرض کنید جامعه‌ای به قحطی مبتلا شده و برای ادامهٔ زندگی، ناچار از ایجاد ارتباط با جامعهٔ دیگر باشد؛ اما این ارتباط، اندکی انحطاط جامعه در امور معنوی و اخلاقی را به‌دنبال داشته باشد؛ ولی اصل معنویات و اخلاقیات باقی بماند.

در این صورت، اگر این ارتباط نباشد، اصلاً وجود این جامعه به خطر می‌افتد و دیگر نمی‌تواند زنده بماند تا به کمالاتش برسد و اگر ارتباط برقرار شود، حیات مادی و معنوی جامعه محفوظ می‌ماند؛ هر چند که لطمه ناچیزی به معنویات آن خواهد خورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۴۹).

اما این تعامل باید کاملاً مشروط، هدفمند و با حفظ خطوط قرمز اعتقادی و ارزشی صورت گیرد. از نگاه ایشان، تعامل بدون چهارچوب، به تدریج به استحاله فرهنگی و سیاسی می‌انجامد.

برخلاف رویکردهایی که تعامل را با پذیرش قواعد نظام سلطه برابر می‌دانند، الگوی پیشنهادی علامه مصباح یزدی بر حفظ استقلال فکری، فرهنگی و سیاسی تأکید دارد. در این الگو، مصلحت‌گرایی به معنای کوتاه آمدن از اصول نیست؛ بلکه اتخاذ تاکتیک‌های موقت برای رسیدن به اهداف کلان است. بنابراین، تعامل تنها ابزاری در خدمت مقاومت و نه جایگزین آن تلقی می‌شود.

### ۳-۳. پیامدها و ظرفیت‌های گفتمان مقاومت در عرصه جهانی

علامه مصباح یزدی قبل از مقاومت در عرصه‌های سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، بر مقاومت در عرصه فرهنگی تأکید دارد و «تهاجم فرهنگی را بالاترین معضل و منکر و ریشه تمام منکرات» می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج، ص ۱۴۶) و با همین نگاه، بخش دفاع را از بخش فرهنگ جدا نمی‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶ ب، ج ۲، ص ۲۳۹). به اعتقاد ایشان، تهاجم فرهنگی غرب که گسترش ارزش‌ها و سبک زندگی غربی، فلسفه ماتریالیستی و نسبی‌گرایی اخلاقی را دنبال می‌کند، یکی از ابزارهای اصلی نظام سلطه است که باید از طریق تولید علم، اسلامی‌سازی علوم انسانی، ساخت نهادهای آموزشی و تربیت نسل جدید با آن مقابله کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

بدین ترتیب، نظریه مقاومت، علاوه بر بعد تقابلی، ظرفیت طرح یک الگوی جایگزین برای نظم بین‌الملل را نیز دارد. این الگو مبتنی بر همزیستی عادلانه، نفی سلطه، احترام به کرامت انسانی و همبستگی امت اسلامی است. تحقق چنین الگویی نیازمند تلفیق قدرت نرم و سخت، سرمایه‌گذاری در حوزه دیپلماسی عمومی و گسترش همکاری‌های راهبردی با قدرت‌های نوظهور جهانی است.

پیامد نظری این گفتمان، ارائه الگویی بدیل از روابط بین‌الملل با محوریت ارزش‌های دینی است. پیامد عملی آن نیز ایجاد ساختاری مقاوم در برابر فشارهای خارجی، افزایش قدرت چانه‌زنی و حفظ استقلال هویتی ملت‌هاست. این پیامدها می‌تواند بستر مناسبی برای گذار از وضعیت تدافعی به وضعیت تهاجمی در عرصه بین‌الملل فراهم کنند.

### نتیجه‌گیری

نظام بین‌الملل معاصر بر بنیاد ارزش‌ها و منافع غرب شکل گرفته است و ماهیتی مادی‌گرا و قدرت‌محور دارد. از دیدگاه اندیشمندانی چون علامه محمدتقی مصباح یزدی، این نظم مصداق «نظام سلطه» و ساختاری ناعادلانه

است که مواجهه با آن نیازمند گفت‌وگو، مقاومت و تقویت اراده اخلاقی - سیاسی جامعه اسلامی بر اساس تعالیم دینی، به‌ویژه صبر، جهاد، عدم تسلیم و مشروعیت نظام ولایی است.

در اندیشه علامه مصباح یزدی، مقاومت صرفاً واکنشی سیاسی نیست؛ بلکه چهارچوبی نظری و آرمان‌محور برای مواجهه بنیادین با ساختار سلطه جهانی است. این نظریه بر جهان‌بینی توحیدی استوار است و نظام بین‌الملل موجود را نظمی قدرت‌مدار و مبتنی بر عقلانیت ابزاری می‌داند؛ از این رو مواجهه با آن باید در قالب راهبردی فعال و هویت‌محور و نه سازش‌گرایانه تبیین شود.

گفتمان مقاومت در این منظومه فکری در سه سطح معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی تعریف می‌شود. از منظر معرفت‌شناختی، تعارض حاکمیت توحیدی با حاکمیت طاغوتی اساس تحلیل نظم جهانی است. در سطح انسان‌شناختی، مقاومت از کرامت انسانی و حق زیست‌عزتمندانه ناشی می‌شود و انسان مؤمن را به رد سلطه‌پذیری سوق می‌دهد. در بعد جامعه‌شناختی نیز مقاومت لازمه شکل‌گیری جامعه‌ای مستقل و توانمند برای پیشرفت بر پایه ارزش‌های دینی است.

نظریه مقاومت، علاوه بر بعد سلبی تقابل با نظام سلطه، بعد ایجابی نیز دارد که به ایجاد نظمی بدیل مبتنی بر توحید، عدالت، استقلال ملت‌ها و همبستگی امت اسلامی معطوف است. این نظریه، نه انفعال و نه نفی مطلق تعامل را تجویز می‌کند؛ بلکه تعامل هدفمند و مشروط با نظام بین‌الملل را برای تقویت جبهه حق و حفظ استقلال هویتی ضروری می‌داند. بدین ترتیب، مقاومت به راهبردی اصول‌محور تبدیل می‌شود که در سطح نظری چهارچوبی بدیل برای روابط بین‌الملل و در سطح عملی زمینه‌ساز افزایش توانمندی نظام اسلامی، حفظ استقلال و مقاومت در برابر فشارهای خارجی است.

## منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

اسپریگنز، توماس (۱۳۸۹). فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رایجی. تهران: نشر آگه.

افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

بستانی، فواد افرام (۱۳۷۶). فرهنگ ابجدی. ترجمه رضا مهیار. تهران: نشر اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱/۰۷/۲۷). بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ

و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. به‌نشانی: <https://khl.ink/f/51184>.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸/۰۳/۱۴). بیانات در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر

آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. به‌نشانی: <https://khl.ink/f/42758>.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۳/۱۲/۱۸). بیانات در دیدار مسؤلان نظام. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. به‌نشانی: <https://khl.ink/f/59631>.

حوزه‌نت (۱۳۹۲/۰۴/۲۱). درس اخلاق علامه مصباح یزدی. دسترسی در: <https://noo.rs/iGubn>.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران.

عبدالله‌نوب، محمدرضا (۱۴۰۲). تأثیر اندیشه سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی بر فضای حوزه علمیه. سیاست متعالیه، ۱۱(۴۳)،

۱۳۷-۱۵۵. دسترسی در: <https://doi.org/10.22034/SM.2024.713317>

فست دیکشنری. مشاهده در تاریخ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸. دسترسی در: <https://fastdic.com/word>، ذیل واژه «مقاومت».

متقی، ابراهیم و پوستین‌چی، زهره (۱۳۹۰). الگو و روند در سیاست خارجی ایران. قم: دانشگاه مفید.

محمدی، حسن (۱۳۹۹). نقش آیت‌الله مصباح یزدی در تقویت و توسعه محور مقاومت. خبرگزاری مهر. به‌نشانی:

<https://mehrnews.com/xTvzL>

محمدی‌رجا، سیدزکریا (۱۴۰۴). رویکرد مقاومت‌محور در حکمرانی جمهوری اسلامی: بررسی بسترها و دلایل سیاست‌های

هسته‌ای دولت‌های نهم و دهم. معرفت سیاسی، ۱۶(۱). ۸۲-۶۱.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). تهاجم فرهنگی. تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). آذرخشی دیگر از آسمان کربلا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). قرآن در آیین نهج‌البلاغه. نگارش: احمد محمدی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ الف). سجاده‌های سلوک؛ شرح مناجات‌های امام سجاد علیه‌السلام. تدوین: کریم سبحانی. قم:

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ ب). نگاه گذرا به بسج و بیسجی. نگارش: حسین ارجینی و علیرضا تاجیک. قم: مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ الف). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀  
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ب). به پیشواز خورشید غرب. نگارش: مرتضی موسی‌پور. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀  
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ج). بزرگ‌ترین فریضه. تدوین: قاسم شبان‌نیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀  
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). پنجاهی امام صادق ❀. برای ره‌جویان صادق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀  
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ الف). پاسخ استاد به جوانان پرسشگر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀  
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ ب). جنگ و جهاد در قرآن. تدوین و نگارش: محمدحسین اسکندری و محمدمهدی نادری  
 قمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶ الف). نظریه سیاسی اسلام. تحقیق و نگارش: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀  
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶ ب). نظریه حقوقی اسلامی. تحقیق و نگارش: محمدمهدی کریمی‌نیا. قم: مؤسسه آموزشی و  
 پژوهشی امام خمینی ❀.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷). زینهار از تکبر! شرح بزرگ‌ترین خطبه نهج‌البلاغه در نکوهش متکبران و فخرفروشان. تدوین  
 و نگارش: محسن سبزواری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸ الف). انسان‌سازی در قرآن. تهیه و تنظیم: محمود فتحعلی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی  
 امام خمینی ❀.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸ ب). آموزش عقاید. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❀.  
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ❀.